



استمراری در گویش بابلی

مهرو عبداللهی^۱

محمد دبیرمقدم^{۲*}

گلناز مدرسی قوامی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب نظری کتاب نمود کامری (۱۹۷۶) به مطالعه نمود استمراری در گویش بابلی می‌پردازد. بررسی معادل بابلی ۲۰۰ جمله فارسی حاوی نمود استمراری نشان داد حال استمراری در گویش بابلی به دو صورت و گذشته استمراری به سه صورت ساخته می‌شوند. صورت اول حال استمراری از اضافه کردن شناسه‌های زمان حال به ستاک حال و صورت دوم از قرار گرفتن حال ساده فعل کمکی /dajzen/ در حال ... بودن پیش از صورت اول حال استمراری حاصل می‌شود. صورت اول گذشته استمراری با اضافه کردن شناسه‌های زمان گذشته به ستاک گذشته و صورت دوم و سوم به ترتیب با قرار گرفتن گذشته ساده افعال کمکی /dajzen/ و /dajten/ داشتن پیش از صورت اول گذشته استمراری به دست می‌آید. ارائه تحلیل کاربرد فعل /dajzen/ در ساخت استمراری، تقطیع فعل مذکور و توصیف تغییرات آوایی زمان گذشته این فعل از زیرساخت به روساخت دستاوردهای دیگر این مقاله هستند.

کلیدواژه‌ها: نمود استمراری، حال استمراری، گذشته استمراری.

✉ mah5055_a@yahoo.com

✉ mdabirmoghaddam@gmail.com

✉ gmodarresi@yahoo.com

۱- دانشجوی دکترای زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

۲- استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی*

۳- دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

۱- مقدمه

در این جستار سعی بر آن است تا با توجه به نظریات کامری^۱ (۱۹۷۶) در کتاب *نمود، نمود استمراری*^۲، یکی از انواع نمود ناقص که خود زیرمجموعه نمود دستوری است، در گویش بابلی^۳ از زبان مازندرانی مرکزی مورد بررسی قرار گیرد. در این میان هر جا که لازم بوده است نظرات دیگر زبان‌شناسان نیز در بخش مبانی نظری در خصوص نمود استمراری طرح شده است. هر چند که پژوهش‌های بسیاری پیش از این به نمود استمراری در گونه‌های مختلف زبان مازندرانی پرداخته‌اند اما نگارندگان این سطور با بررسی داده‌های جمع‌آوری شده و تحلیل آنها به این نتیجه رسیده‌اند که به نظر می‌رسد در مطالعات پیشین ساخت حال و گذشته استمراری در گویش بابلی به صورت جامع بررسی نشده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل همه گویشوران گویش بابلی و نمونه آماری شامل ۱۰ گویشور، ۵ گویشور شهرنشین و ۵ گویشور روستائین و شیوه جمع‌آوری داده‌ها هم به صورت پرسش‌نامه و هم مصاحبه بوده است. بدین منظور تعداد ۲۰۰ جمله فارسی با فعل حاوی نمود استمراری در اختیار افراد نمونه قرار داده شد و از آنها خواسته شد که معادل بابلی جمله‌های مذکور را تولید کنند و صدای آنها ضبط گردید. سپس در جلسات حضوری متعدد و جداگانه با گویشوران مورد به مورد داده‌ها بررسی شد و داده‌های تکمیلی متعاقب آن نشست‌ها به دست آمد. در این مرحله متوجه شدیم که در داده‌های به دست آمده، حال استمراری به دو صورت، یک صورت تصریفی و یک صورت ترکیبی با فعل کمکی /dajjen/ 'در حال ... بودن'، و گذشته استمراری به سه صورت، یک صورت تصریفی و دو صورت ترکیبی با افعال کمکی /dajjen/ 'در حال ... بودن' و /daʃten/ 'داشتن' تولید شده‌اند. در راستای حصول اطمینان از صحت داده‌ها، همه جملات به دست آمده در قالب یک فایل صوتی برای هر ۱۰ گویشور ارسال شد. نتیجه آن‌که، گویشوران تنوع موجود در داده‌ها را تأیید نمودند و اذعان داشتند که هر دو صورت حال استمراری و هر سه صورت گذشته استمراری در گفتار روزمره گویشوران بابلی شنیده می‌شود. پس از آن ساخت افعال حاوی نمود استمراری در ۲۰۰ جمله نمونه تحلیل و اجزای سازنده آنها مشخص شدند. در این میان نویسندگان این مقاله بخصوص تلاش نمودند تا تحلیلی دقیق از فعل کمکی /dajjen/ 'در حال بودن'، که نقش مهمی در ساخت استمراری در گویش بابلی دارد، به دست دهند؛ ارائه تحلیلی از کاربرد فعل مذکور، تجزیه این فعل به اجزای سازنده‌اش، مشخص نمودن نقش هر یک از این اجزاء و بررسی تغییرات آوایی زمان گذشته این فعل از زیرساخت به روساخت دیگر دستاوردهای این جستار هستند.

1. Bernard Comrie

۲. تحقیق حاضر توجه خود را به بررسی حال استمراری و گذشته استمراری در گویش بابلی معطوف داشته و گذشته نقلی استمراری در گویش فوق‌الذکر مورد مطالعه قرار نگرفته است.

۳. گویش بابلی در کنار گویش‌های آملی، ساروی، قائم شهری، بهشهری و ... از گونه‌های زبان مازندرانی مرکزی است.

۲- مبانی نظری

تعاریف و تقسیم‌بندی‌ای که از نمود و انواع آن در مقاله حاضر بدان استناد شده است برگرفته از کتاب نمود کامری (۱۹۷۶) است. در این میان هر جا که لازم بوده است نظرات دیگر زبان‌شناسان در خصوص نمود استمراری نیز ارائه شده است. هر چند که این نظرات گاهی تعدیل‌هایی بر آرای کامری داشته‌اند. کامری در مقدمه کتاب بیان می‌کند که مطالعه او در خصوص مقوله نمود معنایی است؛ وی نمود را عنصری معنایی در نظریه همگانی زبان در نظر می‌گیرد و معتقد است که نمود در کنار «زمان» و «وجه» از جمله مقوله‌های مهم دستوری فعل است ولی در میان این سه مقوله، نمود ناشناخته‌تر است. نمود عبارت است از «نحوه نگرش به ساختار زمانی درونی یک موقعیت» (کامری، ۱۹۷۶: ۳). نمود عمدتاً به دو نوع دستوری^۱ و واژگانی^۲ تقسیم می‌شود. در نمود واژگانی مفهوم نمود از معنای فعل ناشی می‌شود؛ به عبارت دیگر، نمود واژگانی از ویژگی‌های ذاتی فعل است. نمود به‌عنوان یک مقوله دستوری، مانند هر مقوله دستوری دیگر، به لحاظ صوری با امکانات مختلف دستوری از جمله تصریف، افعال کمکی و... بیان می‌شود (همان: ۹)؛ به عبارت دیگر، در نمود دستوری یک نقش‌نمای دستوری مفهوم نمود را نشان می‌دهد و تمایزات معنایی نمود به وسیله امکانات دستوری گوناگون تظاهر می‌یابند.

نمود دستوری به نمود تام^۳، نمود ناقص^۴ و نمود کامل^۵ تقسیم می‌شود.

نمود تام توجه خود را به کل یک موقعیت معطوف می‌کند، به یک کل لاینفک اشاره دارد و از خارج به یک موقعیت می‌نگرد، بدون آن که به ساختار زمانی درونی آن موقعیت ارجاع دهد و یا مراحل تشکیل دهنده موقعیت مورد نظر را به‌صورت مجزا از یکدیگر در نظر گیرد (همان: ۳). نمود ناقص بر ساختار زمانی درونی یک موقعیت تکیه می‌کند و بنابراین دارای نگرشی درونی است و آغاز و پایان عمل را مورد نظر قرار نمی‌دهد (همان: ۴). نمود ناقص انجام عملی در مدتی از زمان است؛ به عبارتی، عملی بین دو نقطه زمانی امتداد می‌یابد. برای کامری دو نمود تام و ناقص بیانگر دو نگرش متفاوت به موقعیت‌های جهان واقعی هستند و تأکید می‌کند که این تفاوت میان موقعیت‌ها، تفاوتی عینی نیست بلکه بستگی به دیدگاه گوینده نسبت به آن موقعیت‌ها دارد. بنابراین ممکن است یک گوینده، بر اساس نوع نگرشش به یک رویداد خاص در ارجاع دادن به یک موقعیت از صورت‌های گوناگونی در مواقع متفاوت استفاده کند (همان: ۴).

نمود ناقص خود تقسیم به زیرطبقه‌های تداومی^۶، عادتی^۷ و تکراری^۸ می‌شود.

1. grammatical
2. lexical
3. perfective
4. imperfective
5. perfect
6. continuous
7. habitual
8. iterative

نمود تداومی خود به نمود استمراری^۱ و غیراستمراری^۲ تقسیم می‌شود. استمرار بیانگر تداوم و یا در حال انجام بودن یک عمل است و نمود استمراری نشان می‌دهد که فعل در یک دوره زمانی در گذشته و یا در حال استمرار دارد (همان: ۱۲). نمود استمراری بیانگر تداوم انجام عملی در زمان ارجاع است (بایی^۳ و دیگران، ۱۹۹۴: ۱۲۶)؛ و رابطه‌ای میان یک موقعیت پویا و نقطه‌ای از زمان را نشان می‌دهد (دال^۴، ۱۹۸۵: ۹۱). دال بیان می‌دارد که در زبان‌های جهان برخلاف ساخت‌های تام و ناقص که به ترتیب ارتباطی قوی با زمان گذشته و زمان غیرگذشته دارند، ساخت‌های استمراری مستقل از زمان ارجاع هستند و برای زمان حال و گذشته و به میزان کمتری برای زمان آینده استفاده می‌شوند. اما نمود استمراری در ساخت افعال زمان حال بیشتر مشاهده می‌شود (همان: ۹۴-۹۲). به‌طور کلی در میان زبان‌های جهان نمود استمراری کمتر از نمود تام و نمود ناقص مشاهده می‌شود، به‌صورتی که نمود استمراری تنها در ۴۰٪ از زبان‌های جهان دستوری شده است و این مسأله عجیب نیست. چرا که نمود تداومی و استمراری آن‌چنان که کامری (۱۹۷۶: ۲۵) مطرح کرده است، گونه‌هایی خاص از نمود ناقص هستند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، کامری معتقد است که نمود استمراری زیرمجموعه نمود تداومی است. این دیدگاه با وجودی که مورد اقبال فراوان قرار گرفته است بدون ایراد نیست. اما به هر حال منطقی به نظر می‌رسد که میان نمود تداومی و استمراری تمایز قائل شویم. در زبان‌هایی که هم نمود تداومی و هم نمود استمراری در آنها دستوری شده‌اند، این تمایز ملموس‌تر است (مر^۵، ۲۰۱۲: ۸۰۷-۸۰۶). کامری معتقد است استمراری بودن ترکیبی است از تداومی بودن و غیرایستا بودن (کامری، ۱۹۷۶: ۱۲). به‌عبارت دیگر نمود استمراری با افعال ایستا مانند افعال حسی و عاطفی همراه نمی‌شود، چرا که بین ایستا بودن فعل از یک طرف و پویا بودن الزامی مفهوم استمرار از طرف دیگر تناقض وجود دارد (همان: ۳۵). این دیدگاهی است که بسیاری از زبان‌شناسان با آن همسو نیستند چرا که در بسیاری از زبان‌ها موقعیت‌هایی وجود دارند که در آنها نمود استمراری با افعال ایستا همراه می‌شود که البته این کاربرد، نشاندار است. کاربرد یک فعل ایستا در یک ساخت استمراری الزاماً نشانه یک تغییر در حال جریان نیست بلکه می‌تواند نشان‌دهنده انعطاف معناساختی یا کاربردشناختی در زبان مورد مطالعه باشد؛ بدین صورت که یک فعل ایستا در یک بافت خاص به‌عنوان یک فعل پویا بازخوانش می‌شود. به‌عنوان مثال در زبان انگلیسی فعل *love* 'دوست داشتن' که یک فعل ساخت استمراری و البته در معنی *enjoy* 'لذت بردن' به‌کار می‌رود (مر^۵، ۲۰۱۲: ۸۱۲). همان‌طور که گفته شد در دیدگاه کامری نمود استمراری نوعی نمود ناقص بوده و اساساً با نمود تام ناسازگار است. این دیدگاه نیز مشکلاتی را در پی دارد چرا که مثلاً در زبان انگلیسی که گذشته نقلی استمراری و گذشته بعید استمراری دارد، نمود استمراری در کنار نمود تام قرار گرفته است (همان: ۸۱۵).

-
1. progressive
 2. improgressive
 3. Joan Bybee
 4. Östen Dahl
 5. Christian Mair

به لحاظ خاستگاه، نمود استمراری اغلب با ساخت ترکیبی^۱ نمایش داده می‌شود (دال، ۲۰۰۴: ۱۲۷؛ موراوسیک^۲، ۱۹۷۵: ۱۱۰ به نقل از وفائیان، ۲۰۱۸: ۱۴). ساخت‌های ترکیبی می‌توانند در مقوله استمراری‌ها قرار گیرند اگر میزان زیادی از دستوری‌شدگی را نشان بدهند و وارد زبان خودکار شوند (مر، ۲۰۱۲: ۸۰۴). به‌طور کلی در زبان‌های جهان این گرایش وجود دارد که ساخت استمراری حاوی یک تکواژ مکانی^۳ باشد، بدین صورت که عنصر زبانی حاوی مفهوم مکان دستوری شده و در ساخت استمراری به‌کار می‌رود (برتینتو^۴، ۲۰۰۰ به نقل از مر، ۲۰۱۲: ۸۰۹). اگر به لحاظ مکانی در رویدادی قرار داشته باشیم، تلویحاً به لحاظ زمانی نیز در آن رویداد قرار داریم؛ به‌تدریج مفهوم مکان تضعیف شده در حالی‌که معنای ضمنی زمان تقویت می‌شود و در نهایت نمود استمراری نشان داده می‌شود (بابی و دال، به ۱۹۸۹: ۸۱. به نقل از وفائیان، ۲۰۱۸: ۱۴). در میان زبان‌های جهان علاوه بر عناصر دارای مفهوم مکان که در ساخت استمراری به‌کار می‌روند، عناصری دیگر چون افعال حرکتی، افعال دارای معنی گرفتن، داشتن، وجود داشتن و... نیز می‌توانند دستوری شده و در ساخت استمراری دخیل باشند (بلانسیت^۵، ۱۹۷۵: ۹ به نقل از وفائیان، ۲۰۱۸: ۱۳). جالب توجه است با وجود این‌که معمولاً افعال ایستا نمود استمراری ندارند، اما در ساختار یک ساخت استمراری عناصر ایستا مانند عناصر مکانی و وجودی نقش دارند (وفائیان، ۲۰۱۸: ۱۳).

۳- پیشینه مطالعات^۶

در این بخش به بررسی مطالعاتی که به‌نحوی به موضوع این جستار، نمود استمراری در گویش بابلی، مرتبط هستند پرداخته می‌شود. برخی از این پژوهش‌ها منحصراً به گویش بابلی و برخی به دیگر گویش‌های زبان مازندرانی مرکزی پرداخته‌اند. لازم به‌ذکر است تا جایی‌که نویسندگان این سطور می‌دانند تاکنون بررسی همه جانبه و دقیقی در خصوص نمود و انواع آن در گویش بابلی صورت نگرفته است. بیشتر مطالعات پیشین به توصیف کلی سطوح زبانی واجی، صرفی و نحوی در گویش بابلی پرداخته‌اند و در این پژوهش‌ها در بخشی که ساختمان فعل مورد بررسی قرار گرفته است حال استمراری و گذشته استمراری نیز تا حدی، که محدود و ناکافی به نظر می‌رسد، بررسی شده‌اند.

استیلو^۷ (در حال چاپ، به نقل از وفائیان، ۲۰۱۶: ۱۵۳) معتقد است که در گویش‌های ناحیه خزر و گویش تاتی سه امکان برای صورت‌بندی ساخت استمراری وجود دارد. امکان اول بهره‌بردن از عنصر مکانی /da(r)/ دیگری با عنصر /kar/ کردن، انجام دادن و امکان سوم بهره‌بردن از ترکیب این دو است.

1. periphrastic structure
2. Edith Moravcsik
3. locative morpheme
4. Pier Marco Bertinetto
5. Edward L. Jr. Blansitt

۶ واج‌نگاری‌های بدنه اصلی پژوهش حاضر مطابق دستورالعمل به قلم IPA است، ولی در بخش مطالعات پیشین به جهت رعایت امانت تمامی واج‌نگاری‌ها به همان صورت که در اثر منبع بوده‌اند آورده شده‌اند.

7. Donald L. Stilo

وفائیان (۲۰۱۸) به بررسی نمود استمراری در زبان فارسی و برخی دیگر از زبان‌های ایرانی از جمله زبان مازندرانی می‌پردازد. وی در بخشی که به زبان مازندرانی اختصاص دارد تأثیر عنصر دستوری DAR به‌عنوان یک عنصر مکانی را در ساخت حال و گذشته استمراری مطالعه نموده و مثال‌هایی از برخی گویش‌های این ناحیه چون ساروی، بابل‌سری و... به‌دست داده است. وی بیان می‌دارد که سازه‌هایی که عضو خانواده عنصر دستوری DAR هستند، حاوی عنصری به لحاظ آوایی نزدیک به /dar/، /dər/ و /da/ و دارای مفهوم مکان هستند. وی بیان داشته است که در اغلب این گویش‌ها هم حال و هم گذشته استمراری از تصریف این پیش‌فعل مکانی به‌علاوه تصریف ستاک فعل اصلی به‌صورت ساخت ترکیبی ساخته می‌شوند. مطالعه وفائیان هر چند که بسیار ارزشمند است ولی در پژوهش وی حال و گذشته استمراری در گویش بابل‌ی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. وی خود اذعان داشته است که در برخی از گویش‌های مازندرانی روش‌های دیگری برای ساخت استمراری وجود دارد که در پژوهش وی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، مانند گویش آملی که در آن ساخت استمراری تحت تأثیر زبان فارسی به کمک فعل کمکی /daʃten/ 'داشتن' صورت‌بندی می‌شود (استیلو، در حال چاپ، به نقل از وفائیان، ۲۰۱۸: ۱۵۷).

نورلندر^۱ و استیلو (۲۰۱۵: ۴۴۲، به نقل از وفائیان، ۲۰۱۶: ۱۴۳) معتقدند که وندهای /da-/ و /dar-/ از /andar/ 'درون' نشأت می‌گیرند و در ساخت استمراری‌ها در زبان مازندرانی به کار می‌روند. آقاگلزاده (۱۳۷۲ و ۱۳۹۴: ۱۴۹) معتقد است که حال استمراری و گذشته استمراری در زبان مازندرانی چنین ساخته می‌شوند:

حال استمراری: ستاک حال فعل کمکی /daʃten/ (داشتن) + شناسه و پس از آن ستاک حال فعل اصلی + شناسه (همان: ۵۱).

و اضافه می‌کند که مطابقت بین فعل کمکی و شناسه‌اش مانند مطابقت‌ایست که بین فعل اصلی و شناسه‌اش وجود دارد؛ به عبارت دیگر، برای تصریف هر دو فعل از شناسه‌های زمان حال استفاده می‌شود. گذشته استمراری: ستاک فعل کمکی /dæyyen/ (بودن) + شناسه و پس از آن ستاک گذشته فعل اصلی + شناسه (همان: ۵۴).

تحلیل آقاگلزاده بسیار کلی و در خصوص زبان مازندرانی به‌عنوان یک زبان واحد است؛ حال آن‌که، زبان مازندرانی خود به سه گونه شرقی، غربی و مرکزی تقسیم می‌شود و هر یک از این سه زبان نیز خود مشتمل بر چندین گویش هستند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر تحلیلی که آقاگلزاده درباره ساخت استمراری به‌دست داده است، حداقل در مورد گویش بابل‌ی، با مشکلاتی همراه است. همان‌طور که مشاهده می‌شود آقاگلزاده دو فعل کمکی متفاوت را برای ساخت حال و گذشته استمراری در زبان مازندرانی در نظر گرفته است؛ برای زمان حال فعل کمکی /daʃten/ و برای زمان گذشته فعل کمکی /dæyyen/. یافته‌های نگارندگان این سطور چنین نشان می‌دهد که در گویش بابل‌ی فعل کمکی /dæyyen/ هم در زمان حال و

1. Paul M. Noorlander

هم در زمان گذشته در بیان استمرار نقشمند است؛ دیگر آن که فعل کمکی /daʃten/ در ساخت گذشته استمراری ترکیبی و نه حال استمراری ترکیبی، چنان که آقاگلزاده تحلیل نموده است، به کار برده می‌شود.

پیرزاد (۱۳۸۹) قاعده زیر را برای ساخت حال مستمر در گویش بابلی ارائه می‌دهد:

«صرف حال اخباری فعل اصلی + صرف حال اخباری^۱ مصدر /dæyyen/ (وجود داشتن)» (همان: ۷۰).
وی در ادامه چنین بیان می‌کند که در گویش بابلی این زمان تبلور صوری ندارد و معنای استمرار در آن تنها از طریق فعل /dæyyen/ برداشت می‌شود.

وی برای گذشته مستمر نیز قاعده زیر را به دست می‌دهد:

«صرف گذشته اخباری فعل /dæyyen/ (وجود داشتن) + صرف گذشته ساده فعل اصلی» (همان: ۸۵).

ایراد تحلیل پیرزاد مربوط به قاعده ارائه شده برای گذشته استمراری است. وی معتقد است که فعل اصلی در این ساخت گذشته ساده و فعل کمکی گذشته اخباری است. حال آن که در تصریف گذشته استمراری افعال در این گویش فعل اصلی دارای تصریف گذشته نمود ناقص و فعل کمکی گذشته ساده است. اساساً افعال گذشته ساده در گویش مذکور دارای پیشوند تصریفی هستند؛ جالب است که پیرزاد خود نیز پیش‌تر و به هنگام بررسی گذشته اخباری و گذشته ساده در این گویش اشاره کرده است که تمایز میان این دو در آن است که گذشته اخباری در گویش مذکور فاقد پیشوند است. همچنین پیرزاد در تحلیل خود تنها به یکی از صورت‌های ساخت استمراری در گویش بابلی اشاره می‌کند و به نقش فعل کمکی /daʃten/ 'داشتن' در ساخت گذشته استمراری و همچنین صورت حال و گذشته استمراری تصریفی (بدون فعل کمکی) در این گویش نمی‌پردازد، امری که نگارندگان این سطور در بخش بدنه تحقیق بدان پرداخته‌اند.

لطیفی رستمی (۱۳۸۸) به هنگام بحث در خصوص نمود استمراری در گویش رستم کلایی چنین می‌گوید: «فعل استمراری، هم به صورت ماضی و مضارع استمراری و هم با فعل کمکی /dæyyen/ (بودن) به کار می‌رود» (همان: ۶۱).

اما وی در ادامه، به هنگام بررسی زمان حال استمراری تنها ساخت این فعل به کمک فعل کمکی /dæyyen/ را بررسی نموده است و صحبتی از حال استمراری بدون فعل کمکی نکرده است (همان: ۹۵)، ولی در خصوص گذشته استمراری دو امکان، یعنی ساخت گذشته استمراری با کمک فعل کمکی /dæyyen/ و همچنین بدون فعل کمکی مذکور را با ارائه نمونه‌هایی از گویش رستم کلایی بررسی کرده است (همان: ۱۱۷). لطیفی رستمی به درستی به نقش فعل /dæyyen/ در ساخت استمراری در گویش مذکور اشاره نموده است ولی تقطیعی از این فعل و نقش اجزای آن ارائه نکرده است.

شکری (۱۳۷۴: ۱۰۱) فعل /dæyyen/ 'بودن' را این گونه صرف می‌کند:

زمان حال ساده

dær-e-mi

هستیم

dær-e-me

هستم

۱. آنچه که پیرزاد در پایان‌نامه خود بر اساس دستور سنتی حال اخباری و گذشته اخباری خوانده است به ترتیب فعل حال نمود ناقص و فعل گذشته نمود ناقص است.

dær-e-ni	هستید	dær-i	هستی
dær-e-ne	هستند	dær-e	هست

وی معتقد است که برای مثال در صیغهٔ اول شخص مفرد این فعل /dæ-/ پیشوند به معنای 'در و اندر'، /-e/ ریشه، و /-me/ شناسه هستند و در dæri و dære ریشه و شناسه یکی می‌شوند. در این تحلیل شکرى مشخص نکرده است که /r/ در /dær/ چه نقشی دارد.

زمان گذشتهٔ ساده

dæ-ʔi-mi/dæ-y-mi	بودیم	dæ-ʔi-me/dæ-y-me	بودم
dæ-ʔi-ni/dæ-y-ni	بودید	dæ-ʔi-i/ dæ-ʔi	بودی
dæ-ʔi-ne/dæ-y-ne	بودند	dæ-ʔi-y-e/dæ-y-y-e	بود

برای مثال در صیغهٔ اول شخص مفرد در گذشته ساده /dæ-/ پیشوند به معنای 'در و اندر'، /ʔi-/ ریشه و /-me/ شناسه است.

تحلیل این فعل از آنجایی که به عنوان فعل کمکی برای بیان استمرار در هر دو زمان حال و گذشته در گویش بابلی به کار برده می‌شود در پژوهش حاضر حائز اهمیت است.

شکرى بین گذشتهٔ استمراری و 'گذشتهٔ در حال انجام' تمایز قائل می‌شود و معتقد است که گذشتهٔ استمراری در گویش ساروی از ترکیب ستاک گذشته با شناسه‌های زمان گذشته و البته بدون پیشوند مصدری (همان: ۱۱۳) و 'گذشتهٔ در حال انجام' از ترکیب گذشتهٔ ساده فعل /dæyyen/ 'اندر بودن' و گذشتهٔ استمراری فعل اصلی ساخته می‌شوند. به باور وی 'حال در حال انجام' نیز در گویش مذکور از ترکیب زمان حال سادهٔ فعل /dæyyen/ و حال اخباری^۲ فعل اصلی حاصل می‌شود (همان: ۱۲۴).

تقطیعی که شکرى از فعل /dæyyen/ و کاربرد آن در نمایش نمود استمرار به دست داده است تا حد زیادی صحیح است. در ادامهٔ این مقاله کاربرد این فعل، البته با اعمال برخی تعدیلات بر تحلیل شکرى، در ساخت یکی از انواع حال استمراری و گذشتهٔ استمراری در گویش بابلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بخش بعدی سعی بر آن داریم که به بررسی حال استمراری و گذشتهٔ استمراری در گویش بابلی از زبان مازندرانی مرکزی پرداخته و امکانات موجود بیان نمود استمرار را در گویش مذکور تحلیل نماییم.

۱. شکرى نقش انسدادی چاکنایی را مشخص نکرده است ولی به نظر می‌رسد که از نظر وی بین دو واکه نقش آوای میانجی را داشته باشد. الزام و یا عدم الزام حضور انسدادی چاکنایی در گویش‌های زبان مازندرانی مرکزی، چه به عنوان آغازگر هجاهایی که با واکه شروع می‌شوند و چه بین دو واکه، نیازمند تحقیق بیشتر است، چرا که مطالعهٔ تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در این زمینه اتفاق آراء وجود ندارد. یدالله‌پور (۱۳۸۵) پس از بررسی‌های آواشناختی بدین نتیجه رسیده است که در گویش بابلی انسدادی چاکنایی [ʔ] نه در سطح آوایی و نه در سطح واجی مشاهده نمی‌شود. نویسندگان این سطور نیز بر اساس تحقیق یدالله‌پور در واج‌نویسی‌های خود در این جستار قائل به انسدادی چاکنایی نشده‌اند.

۲. آنچه که شکرى بر اساس دستور سنتی حال اخباری خوانده است، فعل حال، نمود ناقص است.

۴- حال و گذشته استمراری در گویش بابلی

نگارندگان این سطور پس از بررسی داده‌های زبانی گویش بابلی به این نتیجه رسیده‌اند که در این گویش، حال استمراری به دو روش و گذشته استمراری به سه روش ساخته می‌شوند.

۴-۱- حال. نمود استمراری

۴-۱-۱- روش اول: حال. نمود استمراری بدون فعل کمکی

در این روش، فعل حال. نمود استمراری از ستاک حال فعل به‌علاوه شناسه‌های زمان حال و بدون فعل کمکی در قالب یک ساخت تصریفی ساخته می‌شود. این صورت فعلی در زمان حال نشان‌دهنده هر سه گونه نمود ناقص، یعنی نمود عادت، نمود تکراری و نمود استمراری است و تنها به کمک بافت نوع نمود ناقص مشخص می‌شود. مثال‌های زیر به ترتیب بیانگر نمود عادت، نمود تکراری و نمود استمراری هستند:

۱- '(من) ساعت سه نهار می‌خورم.' (نمود عادت)

(men)	saet-e	se	nahar	xer-mə
(من. حالت فاعلی)	هسته‌نما- ساعت	سه	نهار	خورم- اش

۲- '(من) هر روز دو بار از اینجا می‌گذرم.' (نمود تکراری)

(men)	har	ruz	də	bar
(من. حالت فاعلی)	هر	روز	دو	بار
	in-dʒe-e	dʒa	rad	bu-mə
	وابسته‌نما- جا- این	از	رد	اشم- شو

۳- 'یگانه (دارد) چه کار می‌کند؟' (نمود استمراری)

jegane	fji	kar	ken-nə
یگانه	چی	کار	شم- کن

۴-۱-۲- روش دوم: حال. نمود استمراری با فعل کمکی /dajjen/ (استمراری مکانی^۱)

در این روش، حال استمراری افعال از قرار گرفتن حال ساده فعل کمکی /dajjen/ 'در حال ... بودن' قبل از صورت حال. نمود ناقص فعل اصلی به‌دست می‌آید. این فعل علاوه بر حفظ معنا و کارکرد اصلی خود در معنای 'بودن'، به‌عنوان فعل کمکی در معنای 'در حال ... بودن' در ساخت فعل زمان حال. نمود استمراری نیز به‌کار رفته و حال استمراری ترکیبی به‌دست می‌دهد. مثال‌های ۴ و ۵ به ترتیب کاربرد این فعل را در معنای اصلی خود و به‌عنوان فعل کمکی نشان می‌دهد:

1. locative progressive

۲. معنای فعل کمکی /dajjen/ با توجه به اجزای آن 'در حال ... بودن' مانند 'در حال غذا خوردن بودن' است. این صورت در زبان فارسی هم وجود دارد ولی بسامد کاربرد آن کمتر از بیان مفهوم استمرار به کمک فعل کمکی 'داشتن' است. از آنجایی که این فعل در گویش بابلی همان مفهوم و کارکردی را دارد که فعل کمکی 'داشتن' در ساخت استمراری در زبان فارسی دارد، در معادل‌های فارسی صیغگان حال استمراری و گذشته استمراری فعل /baxerden/ 'خوردن' و در مثال‌ها که در ادامه خواهند آمد فعل 'داشتن' به‌کار رفته است.

۴- 'در خانه هستیم'

sere dar-e-mə
 خانه اش م- هست - پیشوند فعلی^۱

۵- 'یگانه دارد چه کار می کند؟'

jegane dar-ə^۲ tʃi kar ken-nə?
 یگانه هست - پیشوند فعلی چی کار کن - م - کن

در این جا صیغگان حال استمراری فعل /baxerden/ 'خوردن' را به عنوان نمونه آورده ایم:

جدول ۱: صیغگان حال استمراری فعل /baxerden/ با فعل کمکی /dajzen/

شمار شخص	مفرد	جمع
اول	دارم می خورم dar-e-mə xer-mə	داریم می خوریم dar-e-mi xer-mi
دوم	داری می خوری dar-i xer-ni	دارید می خورید dar-e-ni xer-neni
سوم	دارد می خورد dar-ə xer-nə	دارند می خورند dar-e-nə xer-nenə

بررسی صیغگان فوق الذکر نگارندگان این سطور را به نتایج ذیل رهنمون شده است:

الف: /dar-/ پیشوند فعلی به معنای 'در، اندر' است که به ریشه /e-/ اضافه شده و ستاک زمان حال مصدر /dajzen/ را می سازد و با به خدمت گرفتن شناسه های زمان گذشته صرف می شود. لازم به ذکر است که گونه دیگر پیشوند /dar-/ یعنی /da-/ در افعال زمان گذشته و همچنین در ساخت مصادر گویش بابلی بسیار متداول است؛ بدین صورت که پیشوند مذکور در برخی افعال همچنان معنای اصلی خود یعنی 'در، اندر' را حفظ کرده است، مانند فعل /dakelessen/ 'ریختن'، و در برخی دیگر دچار کاهش معنایی شده و تنها به عنوان یک پیشوند فعلی به کار می رود، مانند /davessen/ 'بستن'. /da-/ در گونه منفی زمان حال فعل /dajzen/ نیز دیده می شود:

da-n-i-mə

۱. در گویش بابلی پیشوندهای فعلی که برخی تصریفی بوده و معنای ستاک/ ریشه فعل را تغییر نمی دهند و برخی اشتقاقی بوده و معنای ستاک/ ریشه فعل را تغییر می دهند، در ساخت مصدر و همچنین برخی زمان های افعال از جمله زمان گذشته ساده نقش دارند. /ba-/ نمونه ای از پیشوند فعلی تصریفی و /da(r)/ 'در، اندر' نمونه ای از پیشوند فعلی اشتقاقی است.

۲. /i-/ با گونه /e-/ به باور بسیاری از محققان به دلیل تکرار در متون صرفی ریشه است. کیا (۱۳۲۷: ۱۱۹) در توضیح مدخل /dare/ می گوید جزء اول /dar-/ 'در، اندر' و جزء دوم /e-/ همان 'است و هست' فارسی است. که در بندهش (۱۵۰ و ۲۰۷)، و در متن پهلوی نیز دیده می شود. در این خصوص در منابع دیگری از جمله هورن (۱۸۹۳: ۱۰۹۴). به نقل از کیا، (۱۳۲۷: ۱۱۹)، گروند (۱۹۰۱-۱۸۹۵: ۱۵۳). به نقل از کیا، (۱۳۲۷: ۱۱۹) و همچنین حسن دوست (۱۳۹۳: ۳۳۱) صحبت شده است.

۱ش م - هست - نفی - پیشوند فعلی

در اینجا واکنه پایانی وند نفی /ne-/ و ستاک حال فعل /-e/ در هم ادغام شده‌اند.

ب- با توجه به جداول ذیل می‌توان به نتیجه جالب توجهی رسید: در گویش بابلی صرف زمان حال ساده فعل /dajjen/ هم به‌عنوان فعل اصلی و هم به‌عنوان فعل کمکی به کمک شناسه‌های زمان گذشته صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد به خدمت گرفتن شناسه‌های ویژه (شناسه‌های واحد برای زمان‌های حال و گذشته) در این مدخل فعلی را می‌توان با توجه به معنی‌شناسی این محمول تبیین نمود. نگارندگان این سطور در اینجا به این اشاره گذرا بسنده می‌نمایند که در آن دسته از زبان‌های ایرانی که نظام مطابقه و نظام حالت دوگانه^۱ دارند، رفتار محمول ربطی در تصریف زمان حال و در زمان گذشته همچون رفتار فعل‌های متعدی ساخته شده با ستاک گذشته است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۲۳۲) معتقد است ارتباط میان ساخت‌های حاوی فعل ربطی، فعل تملکی، فعل‌های با مفهوم خواستن، فعل‌های با مفهوم توانستن از یک طرف و ساخت‌های غیر فاعلی-مفعولی^۲ که فعل آنها متعدی «+ گذشته» است از طرفی دیگر ارتباطی معناشناختی است زیرا در همه آنها مؤلفه معنایی [+ ایستایی] / [+ تداوم] را می‌توان مشترک یافت. دبیرمقدم (همانجا) مثال‌هایی را از زبان‌های ایرانی چون لکی، لارستانی و تاتی در جهت صحت تحلیل پیش‌گفته به‌دست می‌دهد.

جدول ۲: شناسه‌های زمان حال

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	-emə ~ -mə	-emi ~ -mi
دوم	-eni ~ -ni	-eneni ~ -neni ~ -enni
سوم	-enə ~ -nə	-enenə ~ -nenə ~ -ennə

جدول ۳: شناسه‌های زمان گذشته

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	-emə ~ -mə	-emi ~ -mi
دوم	-i	-eni ~ -ni
سوم	-ə	-enə ~ -nə

ج - /e-/ ریشه و به معنای 'هست' است. در صیغه ۲ش م فعل کمکی /dajjen/ ریشه /e-/ و شناسه /-i/ و در صیغه ۳ش م ریشه /-e/ و شناسه /-ə/ در هم ادغام شده‌اند.

1. split system

د- فعل اصلی در این گونه از حال استمراری متشکل از ستاک حال فعل به علاوه شناسه‌های زمان حال است؛ پس در این گویش پیشوندی که معادل /mi-/ نشانهٔ انواع نمود ناقص در زبان فارسی است وجود ندارد و ترکیب ستاک حال فعل و شناسه بدون هیچ پیشوندی در قالب یک ساخت تصریفی بیانگر نمود ناقص است.

با توجه به داده‌های به‌دست آمده، از میان دو روش فوق‌الذکر، کاربرد روش دوم در میان گویشوران بابلی از بسامد بالاتری برخوردار است. تبیین این مسأله، به باور نگارندگان این سطور، می‌تواند چنین باشد: فعل ساخته شده به روش اول می‌تواند برای بیان انواع نمود ناقص یعنی نمود استمراری، تکراری و عادت‌ی به کار برده شود و این مسأله ابهام‌آمیز و به دور از اصل شفافیت زبانی است. در این میان نقش بافت زبانی در تصریح این که کدام یک از سه نمود فوق‌الذکر مدنظر بوده است، بسیار مهم است. ولی در روش دوم که حال استمراری ترکیبی به‌دست می‌دهد تنها یک برداشت، بیان استمرار و در جریان بودن کار، صحت دارد. از طرف دیگر، مصاحبه‌های حضوری با گویشوران ما را بدین نتیجه رهنمون شد که به نظر می‌رسد فعل حال استمراری ترکیبی، تأکید بیشتری بر در جریان بودن کار دارد، حال آن‌که در ساخت تصریفی، با توجه به بافت هم این خوانش می‌تواند فراهم باشد و هم خوانشی که چنین تأکیدی ندارد، لازم به‌ذکر است بی‌گمان دقیق این تفاوت می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد.

۴-۲- گذشته. نمود استمراری

۴-۲-۱- روش اول: گذشته. نمود استمراری بدون فعل کمکی

در این روش فعل گذشته. نمود استمراری از ستاک گذشتهٔ فعل به علاوهٔ شناسه‌های زمان گذشته و بدون فعل کمکی در قالب یک ساخت تصریفی ساخته می‌شود. این صورت فعلی نشان‌دهندهٔ هر سه گونهٔ نمود ناقص است؛ در این میان، برای تعیین نوع نمود ناقص توجه به بافت ضروری به‌نظر می‌رسد. مثال‌های زیر به ترتیب بیانگر نمود عادت‌ی، نمود تکراری و نمود استمراری هستند:

۶- ' (من) قبلاً ساعت سه نهار می‌خوردم. ' (نمود عادت‌ی)

(men)	gablan	saet-e	se	nahar	xerd-emə
(من. حالت فاعلی)	قبلاً	ساعت	سه	نهار	خوردم - م

۷- ' (من) هر روز دو بار از اینجا می‌گذشتم. ' (نمود تکراری)

(men)	har	ruz	də	bar	in-dze-e
(من. حالت فاعلی)	هر	روز	دو	بار	وابسته‌نما - جا - این

dza	rad	bi-mə
از	رد	اشم - شد

۸- ' وقتی من به تو تلفن زدم (داشتی) چی کار می‌کردی؟ ' - ' نهار می‌خوردم. ' (نمود استمراری)

vaxti	te=re	zang	ba-zu-mə	ʃi
وقتی	(به - تو) (حالت غیرفاعلی)	زنگ	۲ش م - زد - پیشوند فعلی	چی

kar kerd-i
کار ۲ش م- کرد
nahar xerd-emə
نهار ۱ش م- خورد

۴-۲-۲- روش دوم: گذشته. نمود استمراری با فعل کمکی /dajjen/

در این روش، گذشته استمراری افعال از ترکیب گذشته ساده فعل کمکی /dajjen/ در حال ... بودن و صورت گذشته. نمود ناقص فعل اصلی حاصل می‌شود. مثال‌های ۹ و ۱۰ به ترتیب نشان‌دهنده گذشته ساده فعل /dajjen/ در معنای اصلی خود و به‌عنوان فعل کمکی هستند:

۹- 'دیروز خانه بودم.'

diruz sere da-j-mə
دیروز خانه بود ۱ش م-

۱۰- 'آنها داشتند چه می‌کاشتند؟'

vefun da-j-nə ʃi ʃi kaʃt-enə
آن‌ها (حالت فاعلی) ۳ش ج- بود- پیشوند فعلی چی کاشت ۳ش ج-

در این‌جا صیغگان گذشته استمراری فعل /baxerden/ 'خوردن' را به‌عنوان نمونه آورده‌ایم:

جدول ۴: صیغگان گذشته استمراری فعل /baxerden/ با فعل کمکی /dajjen/

شمار شخص	مفرد	جمع
اول	داشتم می‌خوردم da-j-mə xerd-emə	داشتیم می‌خوردیم da-j-mi xerd-emi
دوم	داشتی می‌خوردی da-j-i xerd-i	داشتید می‌خوردید da-j-ni xerd-eni
سوم	داشت می‌خورد da-j-j-ə xerd-ə	داشتند می‌خوردند da-j-nə xerd-enə

نتایج حاصله از بررسی این صیغگان به شرح زیر است:

الف: /da-/ پیشوند فعلی به معنای 'در، اندر' است. این پیشوند فعلی به ریشه /i-/ اضافه شده و ستاک گذشته مصدر /dajjen/ را می‌سازد.

ب- در همه صورت‌های گذشته ساده فعل /dajjen/، ریشه /i-/ 'هست' در همه صیغه‌ها به غیر از ۳ش م در اثر فرایند غلت‌سازی واکه به [-j] تبدیل می‌شود. در خصوص صورت ۳ش م که در صورت زیرساختی آن سه واکه پشت سرهم وجود دارد، دو فرایند آوایی مشاهده می‌شود:

/da-i-ə/

۱- درج آوایی میانجی بین دو واکه da-i-j-ə

۲- غلت‌شدگی واکه da-j-j-ə

[da-j-j-ə]

۳ش م- آوای میانجی- بود- پیشوند فعلی

ج- با توجه به جداول ۳ و ۴ می‌توان مشاهده کرد که هم در صرف گذشته ساده فعل کمکی /dajjen/ و هم در صرف گذشته نمود ناقص فعل اصلی از شناسه‌های زمان گذشته استفاده می‌شود.

د- فعل اصلی در این گونه از گذشته استمراری متشکل از ستاک گذشته فعل به علاوه شناسه‌های زمان گذشته است. وجه تمایز این فعل با گذشته ساده نمود تام در گویش بابلی این است که گذشته ساده افعال در این گویش پیشوند فعلی دارند. دو جمله زیر به ترتیب در بردارنده فعل گذشته استمراری و فعل گذشته ساده هستند:

۱۱- 'داشتم نهار می‌خوردم.'

da-j-mə	nahar	xerd-emə
۱ش م- بود- پیشوند فعلی	نهار	۱ش م- خورد

۱۲- 'دیروز نهار خوردی؟'

diruz	nahar	ba-xerd-i
دیروز	نهار	۲ش م- خورد- پیشوند فعلی

۴-۲-۳- روش سوم: گذشته نمود استمراری با فعل کمکی /daftən/^۱

در این روش گذشته ساده استمراری افعال از قرار گرفتن گذشته ساده فعل کمکی /daftən/ 'داشتن' قبل از گذشته نمود ناقص فعل اصلی در قالب یک ساخت ترکیبی ساخته می‌شود. این فعل کمکی که در گویش بابلی در معنای اصلی خود یعنی 'مالک چیزی بودن' نیز کاربرد دارد به عنوان یک فعل کمکی در ساخت گذشته استمراری به کار برده می‌شود.

جدول ۵: صیغگان گذشته استمراری فعل /baxerden/ با فعل کمکی /daftən/

شمار شخص	مفرد	جمع
اول	daft-emə xerd-emə	daft-emi xerd-emi
دوم	daft-i xerd-i	daft-eni xerd-eni
سوم	daft-ə xerd-ə	daft-enə xerd-enə

با توجه به جداول ۳ و ۵ قابل مشاهده است که در روش سوم ساخت گذشته استمراری در گویش بابلی، هم فعل کمکی و هم فعل اصلی شناسه‌های زمان گذشته را می‌پذیرند. مثال زیر کاربرد فعل کمکی /daftən/ را در گذشته استمراری نشان می‌دهد:

1. 'have' progressive

۱۳- 'وقتی من آمدم داشتی چی کار می‌کردی؟' - 'داشتم مشق‌هایم را می‌نوشتم.'

vaxti	men	bi-j-amu-mə		
وقتی	(حالت فاعلی)	پیشوند فعلی	میانجی- آوای	آمد- آمدم
daft-i	ʃi	kar	kerd-i	
داشت	چی	کار	کرد	۲ش م- ۲ش م
daft-emə	ʃe	maxf-a=re		neviʃt-eme
داشت	خود	جمع- مشق	واژه‌بست مفعول مستقیم-	۱ش م- نوشت

تحلیل داده‌های به دست آمده بیانگر آن است که، از میان سه روش فوق‌الذکر برای بیان استمرار در زمان گذشته، به لحاظ بسامد کاربرد، به ترتیب روش‌های دوم، اول و سوم توسط گویشوران بابلی به کار برده می‌شوند. تبیین این مسأله می‌تواند چنین باشد: به نظر می‌رسد بیان استمرار در گذشته با کمک فعل کمکی /dajjen/ 'در حال... بودن' تأکید بیشتری بر در جریان بودن کار دارد. کاربرد این روش به طور مستقیم در بردارنده مضمون استمرار است. در این روش تنها یک برداشت؛ بیان استمرار و در جریان بودن کار، صحت دارد. در حالی که فعل ساخته شده به روش اول می‌تواند برای بیان انواع نمود ناقص یعنی نمود استمراری، تکراری و عادت‌ی به کار برده شود و این مسأله ابهام‌آمیز و به دور از اصل شفافیت زبانی است. در این میان نقش بافت زبانی در تصریح این که کدام یک از سه نمود فوق‌الذکر مدنظر بوده است، بسیار مهم است. به باور نگارندگان این سطور روش سوم ساخت گذشته استمراری یعنی با کمک فعل کمکی /daften/ 'داشتن'، متأثر از زبان فارسی است. هر چند که در حال حاضر در گویش بابلی استفاده از این فعل کمکی تنها برای بیان استمرار در زمان گذشته دیده می‌شود اما با توجه به طبیعت اثرگذار زبان فارسی بر دیگر زبان‌های ایرانی، شاید بتوان پیش‌بینی کرد که کاربرد آن در آینده به ساخت گذشته استمراری نیز تسری یابد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر، با توجه به آرای کامری در کتاب نمود (۱۹۷۶) و به منظور بررسی نمود استمراری در گویش بابلی انجام گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد که حال استمراری در این گویش به دو شیوه ساخته می‌شود. در شیوه اول، شناسه‌های زمان حال به ستاک حال افعال اضافه شده و صورت حال نمود ناقص را به دست می‌دهند. در این حالت، با توجه به بافت می‌توان متوجه شد که فعل حاوی کدام یک از انواع نمود ناقص یعنی نمود استمراری، نمود تکراری یا نمود عادت‌ی است. در شیوه دوم، حال ساده فعل کمکی /dajjen/ 'در حال... بودن' قبل از صورت حال نمود ناقص فعل اصلی قرار گرفته و این ترکیب نشان‌دهنده نمود استمراری فعل در زمان حال است. همچنین دریافتیم که برای تولید گذشته استمراری در گویش بابلی سه شیوه، یکی بدون فعل کمکی و دو دیگر با استفاده از افعال کمکی /dajjen/ 'در حال... بودن' و /daften/ 'داشتن' وجود دارد. در شیوه اول، شناسه‌های زمان گذشته به ستاک گذشته فعل اضافه شده و صورت گذشته نمود ناقص به دست می‌آید. در اینجا نیز، بافت مشخص می‌کند که فعل حاوی کدام یک از انواع نمود ناقص است.

در شیوه‌های دوم و سوم به ترتیب گذشته ساده افعال کمکی /dajjen/ و /daften/ قبل از صورت گذشته نمود ناقص فعل اصلی قرار گرفته و صورت گذشته استمراری را می‌سازند. به طور کلی چنین به نظر می‌رسد که در گویش بابلی بیان استمرار به کمک فعل کمکی /dajjen/ در حال... بودن که ساخت استمراری ترکیبی مکانی به دست می‌دهد، هم در زمان گذشته و هم در زمان حال، از بسامد کاربرد بالاتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر در جریان بودن کار دارد. بیان استمرار در قالب ساخت تصریفی هم برای زمان گذشته و هم برای زمان حال می‌تواند ابهام‌آمیز باشد چرا که در این گویش ساخت مذکور برای بیان هر سه نوع نمود ناقص یعنی نمودهای استمراری، تکراری و عادت‌ی به کار برده می‌شود و تنها بافت زبانی مشخص می‌نماید که مقصود گوینده کدامیک بوده است. چنین به نظر می‌رسد که ساخت گذشته استمراری با کمک فعل کمکی /daften/ داشتن، متأثر از زبان فارسی است. در این گویش پیشوندی که معادل /mi/ نشانه انواع نمود ناقص در زبان فارسی باشد، مشاهده نشد. علاوه بر این، تقطیع زمان حال ساده و گذشته ساده فعل کمکی /dajjen/ به اجزای سازنده‌شان و تبیین چرایی کاربرد شناسه‌های زمان گذشته برای تصریف زمان حال و گذشته این فعل نیز به دست داده شد.

منابع

- آقاگلزاده، فردوس (۱۳۹۴). *زبان مازندرانی (طبری) توصیف زبان‌شناختی (تحقیق میدانی-اطلس زبانی)*، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- پیرزاد، ناصر (۱۳۸۹). *توصیف مشخصه‌های تصریفی فعل در گویش مازندرانی (گونه بابلی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، انتشارات سمت، تهران.
- شکری، گیتی (۱۳۷۴). *گویش ساری (مازندرانی)*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- لطیفی رستمی، زهرا (۱۳۸۸). *توصیف گروه فعلی گویش مازندرانی رستم‌کلایی (برپایه نظریه ایکس تیره)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- Aghagol Zadeh, Ferdos (1372). *Verb Phrase in the Mazandarani Eastern Dialect*, MA Thesis, Tarbiat Modarres University, Tehran
- Bagherzadeh Kasmani, Morad (1998). *A description of the Mazandarani Dialect (Baboli Dialect)*, MA Thesis, Shiraz University.
- Bertinetto, Pier Marco, Karen Ebert & Casper de Groot. (2000a). *The progressive in Europe*. In Mair, Christian, (2012), 'Progressive and Continuous Aspect'. In *The Oxford Handbook of Tense and Aspect*, (2012), Robert I Binick edition, Oxford University Press.
- Binnick, I, Robert, ed. (2012). *The Oxford Handbook of Tense and Aspect*, Oxford University Press.

- Blansitt, Edward L. Jr. (1975). *Progressive aspect*, Working papers on Language Universals, 18. 1-34. In Ghazaleh Vafaeian, (2018), *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Bybee, Joan & Dahl, Östen (1989). *The creation of tense and aspect systems in the languages of the world*. In Ghazaleh Vafaeian, (2018), *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Comrie, Bernard (1976). *Aspect*, Cambridge University Press.
- Dahl, Östen (1985). *Tense and Aspect Systems*, Oxford: Blackwell. In Ghazaleh Vafaeian, (2018), 14, *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Dahl, Östen (2004). *The growth and maintenance of linguistic complexity*, Amsterdam: John Benjamins. In Ghazaleh Vafaeian, (2018), *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Mair, Christian (2016). *Progressive and Continuous Aspect*. In *The Oxford Handbook of Tense and Aspect*, (2012). Oxford University Press.
- Moravcsik, Edith A, (1975). 'Borrowed Verbs', *Wiener Linguistische Gazette* 8. 3-30. In Ghazaleh Vafaeian (2018). *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Noorlander, Paul M. & Donald L. Stilo (2015). 'On the Convergence of Verbal Systems of Aramaic and its Neighbours. Part I: Present-Based Paradigms'. In Ghazaleh Vafaeian (2018), *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Shokri, Guiti; Jahani, Carina & Barani, Hossein (2013). *When tradition meets modernity: Five life stories from the Galesh community in Ziarat, Golestan, Iran*. (*Acta Universitatis Upsaliensis, Studia Iranica Upsaliensia* 21). Uppsala: Uppsala Universitet.
- Stilo, Donald L, in press, 'Caspian and Tatic', In Ghazaleh Vafaeian, (2018). *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Stilo, Donald L; forthcoming a. 'Mazandarani' (to appear in *Encyclopædia Iranica*). In Ghazaleh Vafaeian, (2018). *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.
- Vafaeian, Ghazaleh (2018). *Progressive in Use and Contact*, PhD Thesis, Stockholm University.